

هدف جنایات فجیع بمبگذاران مزدور آمریکا چیست ؟

در آستانه سالگرد هفدهم شهریور ، روز پرشکوه پایداری و ایثار مردم ما در برابر آمریکا و رژیم وابسته شاه ، گسروهی از هم میپیمان زحمتکش در نتیجه انفجار بمبی که مزدوران آمریکا کار گذاشته بودند کشته و زخمی شدند . این حادثه نشانه دیگری از اعلام جنگ زیوانانه و جنون آمای ضدانقلاب به مردم کوچه و بازار است . روشن است که از مزدوران آمریکا نمی توان انتظار داشت مردم کشتی نکنند ، در گذرگاه مردم بمب نگذارند ، با رعایت جان کودکان و حرمت زنان را بکنند . اگر اینها بمب های چندین کیلویی زیر پای مردم منجر می گنند ، سرکرده آنها آمریکا ، بمبهای چندین تنی تانک و خوشهای و فسفری و خلاصه و اگر دستش برسد بمب اتمی و نوترونی بر سر مردم می ریزد . وقتی امپریالیسم آمریکا انفجار بمب اتمی در هیروشیما و ناگازاکی را از فضایل سرمایه داری پیشرفته معرفی می کند و معتقد است که به خاطر " صلح " مردم هیروشیما و ناگازاکی ، ویتنام ، کره و غیره را قتل عام کرده است ، پس چرا به مزدوران خود دستور ندهد که با بمب های چند کیلویی به جان مردم کوچه و بازار بیافزند ؟

حادثه که انقلاب ما زنده است و پیش می رود انواع توطئه های امپریالیسم و مزدوران آن ادامه می یابد . حتی انقلاب هایی که دهها سال از پیروزی آنها می گذرد نیز هرگز از توطئه های گوناگون و گاه بسیار خطرناک امپریالیسم خارج نیستند . این مردم ما ، انقلاب ما و مسئولین جمهوری اسلامی ایران هستند که باید با شناخت درست انگیزه ها و اشکال این توطئه راههای درست درم شکستن و خنثی کردن آنها را بیابند و بکار بگیرند .

توطئه ترور و تخریب و بمب گذاری که توسط مزدوران آمریکا انجام می شود هدف های چند جانبه ای را دنبال می کند :

ایجاد و گسترش ناامنی در کشور ، تحمیل سو خشونت و وارد کردن جمهوری اسلامی ایران به تکیه بر زور و خشونت و شرکت در اجرای نقشه ایجاد و گسترش ناامنی ، جلوگیری از برقراری آرامش متکی بر قانون در جامعه ، مشغول کردن جمهوری اسلامی به درگیری های به اصطلاح فرساینده و جلوگیری از انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی به سود مردم ، فرسایش روحیه مردم و بیحساک گردن آنها از آینده و از جمهوری اسلامی ، و سرانجام بیرون راندن مردم از

صحنه و قطع حمایت آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران . برای ضدانقلاب
بسرکردگی آمریکا عملی شدن هر یک از این هدفها گامی است در راه عملی کردن
هدف نهایی آن که نابودی انقلاب با همه دستاوردهای آن است . بدیهی
است که انقلاب مانع از آن است که جلوی اقدامات ضدانقلاب قاطعانه گرفته
شود و باند های مزدوری که در عین حال به دلیل زبونی مردم کوچک و بازار را
آماج حمایت خود قرار داده اند سرکوب و متلاشی شوند . اما باید توجه داشت
که سرود اصلی با توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب در آن میدانی نیست که
تروریست ها و خرابکاران و بمبگذاران نشان می دهند . اگر درست است که اعمال
تروریستی و خرابکارانه جنبه متعدد ضدانقلاب . مادام که مردم در صحنه و
فعالانه علیه آنها هستند نمی تواند انقلاب ما را از حرکت بازدارد . پس بطور
اولی مسیح مردم در صحنه و تحکیم پیوند آنان با انقلاب شرط اصلی قلمه بر
همه این توطئه های ضدانقلابی است . هیچ انقلاب برخوردار از حمایت توده های
هرگز با اقدامات حقیرانه تروریستی از حرکت باز نمی ماند . اما باید توجه داشت
که ضدانقلاب نیز خود به این امر واقف است و می داند که با ترور و کشتار ده
صد یا هزار تن از مردم نمی تواند به هدف های خود برسد . ضدانقلاب از توسل
به این اقدامات نتایج دیگری می خواهد بگیرد که مهمتر از همه آنها جلوگیری از
پاسخگویی به خواست های مردم و بیرون راندن مردم از صحنه است . انجام
اصلاحات بنیادین انقلابی و برآوردن خواست های میلیونها زحمتکش محروم هم
آماج اساسی انقلاب است و هم راه اصلی دفاع پیروزندانه آن .
خط امام باید آگاهانه و هوشیارانه جریان مخالف راستگرا را که سد راه انجام
اصلاحات مردمی است قاطعانه افشاء و طرد کند . نیاز انقلاب ما این است که
جمهوری اسلامی ایران با برقرار کردن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی
با جلوگیری هوشیارانه از گسترش جو خشونت . با نشان دادن آشکار و عملی
همه قسمت های انقلاب هدف توطئه های جنبه متحد ضدانقلاب بسرکردگی
آمریکا را که مست کردن پایگاه اجتماعی انقلاب و برآکنده ساختن توده های
دهها میلیون مردم از پیرامون خط امام است . عقیم بگذارد و آنها را درهم
پشکند . ما باید همه توطئه های ضدانقلاب بسرکردگی آمریکا علیه انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران را نه در آن میدانی که دشمنان تعیین می کنند بلکه در
آن میدانی که انقلاب و مردم ما تعیین می کنند . در میدان انجام اصلاحات
بنیادین اقتصادی - اجتماعی با پاسخگویی به نیازهای توده های میلیون
درهم پشکنیم .

فرمایشی، ادامه پیدا بکنند. به اینکه هدف اصلی امریگادرن منطقه با انقلاب ایران است. دارای اهمیت بزرگی است. زیرا با شناخت صحیح برنامه‌های دشمنان است که می‌توان آنها را شناسایی کرد. شناخت برنامه‌های دشمن، مقدمه ضروری برای پیدا کردن راه حل‌های صحیح مقیم کردن و به شکست کشاندن آنها است. البته امریگا و اذنیاش نیز از جنگ تحمیلی، برنامه‌های مختلف دیگری نیز برای فرمایشی و شکستن انقلاب ایران دارد که بوضع امریگا گذارده است. از جمله بوسیله "توربین سیاسی" از جمله بوسیله "توربین اقتصادی" و از جمله "بویزه" به وسیله "توربین اقتصادی". بطور کلی بگفته آقای خامنه‌ای در مشهد: "وقتی به مشکلات خود می‌نگریم، دست پنهان امریگا و هم‌پیمانان و مزدورانش را به وضوح می‌بینیم."

(۱۸)

همه صف‌بندی‌ها در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود.

پس دشمن اصلی ما، انقلاب ما، کشور ما، خلق ما، امریکای جنایتکار است که رئیس جمهور، خامنه‌ای او را "وحشی‌ترین حکومت جهان" نامید و مبارزه با او را "مبارزه همیشگی" دانسته است. هدف اصلی این دشمن تجاوزگر، غارتگر، خدش‌مگرم در منطقه ما ایران، انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران است که به رهبری امام خمینی پیروز شده و پایگاه اصلی ما به گفته آقای رفسنجانی، خلق اصلی منطقه امریگالیسم بسرکردگی امریگا در منطقه را به پایگاه مبارزه بر ضد امپریالیسم و اذنیاش بدل کرده است. این وحشی‌ترین حاکمات جهان برای شکستن انقلاب ایران همه وسایل و امکانات خود را بکار گرفته است. دست خونریز و ویرانگر نظامی او از آستین صدام بدرآمده. توربین سیاسی را بکار گرفته. توربین اقتصادی را به خدمت گرفته. توربین اداری را مورد بهره‌برداری قرار داده است. کشمیری‌های طبیعانی، کلاهی‌های اداری، قطب‌زاده‌های سیاسی را هرجا توانست جایزای کرده است. آن "مقدس‌های سیاسی" را که هر حرف و هر اقدام بسوی احقاق حقوق مستضعفان را "کمونیستی" می‌نامند و فریاد "والسلام" سر می‌دهند، آن "روشنفکرانی" که همه جا گرافیکی می‌کنند، آن "انجمن‌هایی" که به نام اسلام خط‌بطلان بر سر حاکمات می‌کشند، آن تاراج‌های انسانی که دافنا و به هزار وسیله و بهانه مردم را مایوس و از انقلاب دلزده می‌کنند، همه مستقیم و غیرمستقیم، دانسته یا ندانسته، به عنوان دشمن دانا و با دوست نادان، عملاً به سود اوکار می‌کنند. بدینسان مبارزه‌ای که در برابر انقلاب برای رسیدن به پیروزی‌های نهایی قرار دارد، مبارزه‌ای است فرخج، درازمدت، همه‌جانبه برای کسب پیروزی در این مبارزه آشکار است که اقدام نخستین، یعنی ایجاد محدودیت برای فعالیت لبرالها بسود انقلاب، منع فعالیت گروهکهای امریگازده ضدانقلابی بسود انقلاب است. در صورتی که ایجاد محدودیت و اعمال فشار بر نیروهای که نظیر حزب توده ایران و سازمان ما، با تمام نیروی خود با انقلاب پشتیبانی می‌کنند بزمیان انقلاب است. مگر طرد نیروهای انقلابی از جبهه انقلاب به زبان انقلاب نیست؟ این سیاست، موازنه منفی، نسبت به احزاب، به نظر می‌رسد، به وسیله فشار شتابان نیروهای ضدانقلابی و نیز فشار نیروهای فئری انحصارگر بر نیروهای "خط‌امامی" در حاکمیت تحصیل شده است که شامل آن، کفاره، گناه ضدانقلابیون را بر گردن انقلابیون "دگراندیش" نهادن است که بدیهی است به آن را می‌توان عادلانه دانست و نه به سود انقلاب.

در هر حال ما انتظار داریم همانطور که جهت‌الاسلام رفسنجانی مجدداً تأیید و اعلام کردند، قانون اساسی در مورد احزاب طرفدار و پشتیبان انقلاب قطع نظر از جهان‌بینی و مسلک و مذهب و اعتقادات آنها، هرچه رودتر به موقع اجراء گذارده شود. تمام امکانات قانونی برای فعالیت آزاد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آنها باز پس داده شود که این خود یک گام جدی میلی در تحقق این سخن انقلابی رئیس جمهور خواهد بود که: "همه صف‌بندی‌ها در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود و ما هر صف‌بندی دیگری را مردود می‌دانیم"

(۱۸)

توربین اقتصادی

جهت‌الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه وقت تهران در نخستین خطبه نماز جمعه، رشته سخنرانیهای خود را درباره "عدالت اجتماعی" ادامه داد که هدف نهایی آن "ایجاد جامعه عالی از مستکبر و مستضعف است". جهت‌الاسلام رفسنجانی گفت که در اسلام "تحصیل ثروت از طریق کسب و تجارت و مبادله محدود است و جلو راه‌های تکثیر و ثروت‌اندوزی که در دنیا سرپا برداری وجود دارد، در اسلام گرفته شده" و او یادآوری کرد که احتکار و انحصار همیشه وسیله دوقطبی شدن جامعیت کف‌دهداری را بدون حساب فرودشدنی می‌کند و عدما‌ی را ضعیف و محروم و این "بدترین تجاوز به حقوق مردم محروم و مصرف‌کننده" است. او توضیح داد که این توربینهای اقتصادی می‌کنند و چگونه عمل می‌کنند "چنی از خارج وارد می‌کنند ولی در انبارها می‌گذارند، با این ملت در انبارها می‌گذارند و با دل‌آنها و بازار سپاه و دستفروشان در خیابانها به صورت‌های مختلف، این مردم بچه‌دار را می‌بوشند، کارخانه در این مملکت دارد، با امنیت که این مردم داده‌اند، گزخانه‌اش کار می‌کند، اما چنی که بیرون می‌آید، اگر دولت‌کاری نداشته

باشد، از کارخانه که بیرون می‌آید به ده برابر قیمت مبادله می‌خواهند به مردم مقلب کند که دارید می‌بینید، چه دارند می‌کنند و همه این جنایات اقتصادی که در این مملکت می‌شود که حالا من فعلاً "شبه‌های آنرا نمی‌خواهم بگویم."

بدینسان آقای رفسنجانی توجه دارد که توربین اقتصادی هم در عرصه بازگانی خارجی هم در عرصه بازگانی داخلی، هم در عرصه تولید بوسیله آن کارخانه‌داری که تولیدآباد، برابر قیمت قابل می‌کند. اجرا می‌شود. اگر از این توربین اقتصادی و از این جنایات اقتصادی جلوگیری بعمل نیاید، اکنون دیگر آشکار است که انقلاب در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت و آقای رفسنجانی برای جلوگیری از آن سه وسیله ارائه داد. اول ارشاد، دوم قانونگذاری و اجرای قوانین و سوم کفیر. به نظر ما ارشاد و نصیحت مؤثر نیست و نخواهد بود باین دلیل که "تکثیر، ناشی از طمعت سرمایه‌داری است و تا جامعه "دوقطبی" است، طب کلان سرمایه‌دار و بزرگ مالکی که در اقلیتند، طب رستمگان و مستضعفان را که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، نخواهد چابید و تجربه این سه سال و نیم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد نیز نشان داده است که هر قدر به این زالوهای اجتماعی نصیحت شود، آنها لطمه‌های از کمیدن خون مردم محروم باز نمی‌ایستند. کفیر نیز، تأثیر محدود دارد و باز تجربه همین سه سال و نیم نشان می‌دهد که اگر مستکبر، جریه خود، زندانی شود، با تازیان مجازات شود، حتی خود او - چه رسد به هم‌دانش - از جهال مردم دست برتنی دارد. ولی قانون‌گذاری و اجرای قانون، در موض آن اثر می‌آید که با آن می‌توان جامعه را از شر "جنایات اقتصادی" رها کرد. رها کنید انقلاب را از خطر "توربین اقتصادی" رها کنید، این پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ضدانقلابی را که "جهش را آغاز کرده" تصرف کرد و بسوی اجرای عدالت اجتماعی در عرصه اقتصادی به پیش رفت. همانطور که آقای رفسنجانی توضیح دادند: "برها مال دولت جمهوری اسلامی است، از مال دولت جمهوری اسلامی، نظام حاکم و حقوق این ملت را دولت جمهوری اسلامی موظف است انجام بدهد، قانون اساسی حق کنترل تجارت را داده، قانون اساسی، تجارت را به دولت داده است و بکارگرفتن این "حریمها" است که می‌تواند از جنایات اقتصادی جلوگیری کند. قوانین جلوگیری از تکثیر همانطور که آقای رفسنجانی اشاره کردند باید طبق نص صریح قانون اساسی در مورد مالکیت، در مورد سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی، که خصوصی مکتل دو بخش دولتی و تعاونی است. در مورد دولتی بودن بازگانی خارجی، در مورد کنترل بازگانی داخلی، در مورد اصلاحات بنیادین ارضی یعنی تقسیم ارضی نیروی به زمینگان و مستضعفان روستا، در مورد همه دیگر حقوقی که به دولت تعلی می‌گردد. از جمله قیمت‌گذاری، تعیین و اجراء کرد و آنگاه اگر کسی قانون شکنی کرد، تخلف کرد، با جبهه و تزییر مرصود "بهرودن" قانون برآمد، او را بسختی کفیر داد. زیرا در انصورت به گفته آقای رفسنجانی برای دیگر قوانین کفیری است که "برای مستکبر، برای رهاکار برای حرام‌خوار برای دزد، برای قارباز، برای گزافروشی، برای و غیره که همه در یک ردیفند، اجرا می‌شود."

(۱۸)

توربین اداری

در هفته گذشته هم خبر رهنمودهای امام خطب به هیئت دولت و هم خبر خطبه اول نماز جمعه به آنچه که جهت‌الاسلام رفسنجانی آن را "توربین اداری" نامید توجه جدی شد. امام رهنمود دادند که "هر کسی در هر وزارتخانه هست باید گوشش کند که اجراء، آن وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هست، وضع روحی‌اش طوری باشد که با مردم بسازد، به مردم خدمت کند، به فکر این سرو پا برهندها برسد. این افراد اگر چنانچه خطای خواسته ضحرفند، این افراد منفری را نصیحت کنیم، اگر نمی‌شود، عوفی کنند ... جهت‌الاسلام رفسنجانی نیز به توصیف این افراد منحرف پرداخت، آنهایی که باعث می‌شوند برآجه‌کنندگان "عاقوبت می‌آیندند و ناراضی برمی‌گردند، نماز ظهر را بچانه گردانند و از نیم ساعت به ظهر دیگر کار مردم را انجام نمی‌دهند و بعد از نماز هم دیگر به پشت میزشان نمی‌چسبند. آقای رفسنجانی زمانی را که این توربینهای اداری به انقلاب می‌رسانند با عمل توربینهای سیاسی و اقتصادی مقایسه کرد و گفت: "آن توربینهای سیاسی و آن توربینهای اقتصادی با این توربینهای اداری هیچ فرقی نمی‌کنند ولی این توربینهای اداری، عمدتاً از قماش همان "آقایانی" هستند که به گفته امام "گزارش‌دهنده و اشغال‌تراشی می‌کنند ... هیچ کاری برای این جمهوری اسلامی از اولش تا حالا نگردانند، گزارش‌گویی کردند (اما) کار نگردند، آن روشنفکران آشپزی و آن مرتجع‌ها به اصطلاح آن جوری، به مغز خوب بعضی از آنها را که ما می‌دانیم یک قدم برای نجات برندانند، مخالفت هم با آن داشتند، نصیحت هم ما را کردند که اول کنید، نمی‌شود، بگذارند، بگذارند شاه باشد."

این توربینهای اداری عمدتاً از این قماشند، از قماش "پشیمان‌ها" هستند از نوع آنهایی هستند که "سه سه بار به ۹ بار" از انقلاب پشیمان شدند، از نوع کسانی هستند که امید به همان توربینهای اقتصادی بستانند و با توربینهای اقتصادی پیوند دارند، "بخش خصوصی را آب حیات می‌دانند، این دعوی را مرتب تکرار می‌کنند که دولت تاجر خوبی نیست، دولت کارفرمای خوبی نیست، تجارت و تولید باید به سرمایه حلال

و انگذار شود تا همه چیز سر جای اولش منتهی زیر نام اسلام (از نوع آمریکایی)
قرار گیرد ، و در عمل به " بخش خصوصی " کمک می کند و در بخش دولتی
گزرشکنی می کند تا صحت " تئوری " خود را اثبات کرده باشند . بی جهت
نیست که محبت الاسلام رفسنجانی فریاد می زند " من به گارمندان و گارگزان
دولت اخطار می کنم ، در جمهوری اسلامی ایران قابل قبول نیست که موسسات
بخش خصوصی از موسسات دولتی فعال تر باشند ، برعکس باید باشد ، یعنی
آن روزی که یک انسانی در تجارتخانه خصوصی اش و در گارخانه خودش ، بهتر
از تجارتخانه دولت و اداره دولت و گارخانه دولت گار بکند ، این مسلمان
نیست مسلمان حاضر نمی شود متافع یک سازمان شخصی را مقدم بخارد بر متافع
همه مردم "

پس اگر درست است که تروریست های اداری با تروریست های اقتصادی
ببوند متقابل دارند ، اولی به دومی کمک می کند و دومی اولی را در ادارات
حساسی می کند و به خدمت می گیرد ، آنگاه برای از بین بردن تروریسم اداری
باید تروریسم اقتصادی را از بین برد و بدین سان تروریسم اداری را بی هدف
نمود . اخراج این و آن از ادارات نگار تروریسم اداری را بکسر نمی کند . پایگاه
تروریسم اداری ، تروریسم اقتصادی است و با بکسر کردن گار تروریسم اقتصادی
است که می توان تروریسم اداری را به عنوان " خدمتگزار " تروریسم اقتصادی
از بین برد . کسانی که در دستگاه های دولتی و در نهادهای جمهوری از بخش
خصوصی " دفاع " می کنند ، در گار دولت در جهت خدمت به " مستضعفین
و " محرومان " اغلال و خرابکاری می کنند ، مخالف تعویب و احزای قوانینی
هستند که اصلاحات بنیادین به سود توده های ده ها میلیون زحمتکشان شهروست
را ممکن می گرداند ، اینها چه خود بدانند و چه خود ندانند ، نماینده
و سفنگوی اشراف و اعیان ، مرفه ها و صاحب اموال هستند اینها به مردمی که
انقلاب گردانند و از اغلاب با فداکاری های عظیم پاسداری می کنند تعلق
ندارند سخن امام را در همین مقطع باید استنباط کرد که گفت :
" وقتی بنا باشد که متصدی امور یک کشوری قشر اشراف به اصطلاح خودشان
اعیان ، مرفه ها و صاحب اموال و نمی دانم ، پارک اتوموبیل ها و غذا و غذا
با آن وقت گالاسکها و آن حرفه ها باشد ، این یکی از مصیبت های بزرگی است
که در یک ملت هست . سرچشمه همه مصیبت هایی که ملت ها می کشند ، این
است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان
از آنها باشد ... و قابل اجتناب نیست این ، وقتی حکومت آنطور شد ، دیگر
نمی شود این را کسی خیال کند که قابل این است که این با مردم جمهور باشد
از آن ور با دولت های خارجی جمهور باشد "

همانطور که رئیس جمهور در مشهد تاکید کرد: "باید صف بندی میان حق و باطل را درست تشخیص داده آن را خوب بشناسیم".
رئیس جمهور در مشهد اعلام کرد: "همه صف بندی ها در جامعه باید به صف بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود و ما هر صف بندی دیگری را مردود می دانیم".
"اگر اینطور نباشد در مبارزه، ناکامی بزرگی بهار خواهد آمد زیرا وقتی که به مشکلات خود می نگریم دست پنهان آمریکا و هم پیمانان مزدورانیش را به وضوح می بینیم".

اگر در عمل صف بندی ها در جامعه، به صف بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود، دیگر "ضابطه" و ملاک انقلابی بودن ریش و تسبیح و نظائر بسنه اسلام پنهانی نخواهد بود که اکنون به کمک آن فرصت طلبان به گفته آقای موسوی خوئینی ها خود را "انقلابی" جا می زنند و به وسیله آن "بدترین آدم ها" می توانند بهترین موقعیت ها را بگیرند "دیگر عمل" ضابطه "و ملاک تشخیص انقلابی بودن و یا ضدانقلابی بودن قرار خواهد گرفت. همه افراد، شخصیت ها، سازمان ها، احزاب، قطع نظر از مسلک آنها، مذهب آنها، اعتقادات فلسفی آنها، تفاوت در نظرات اجتماعی آنها، هرکس دشمن اصلی را امریالیسم سرگردگی آمریکا می داند و علیه آمریکا و اذنباش مبارزه می کند، هرکس خط مردمی انقلاب را قبول دارد، طرفدار عدالت اجتماعی به خود مستضعفان و محرومان جامعه است، هرکس خواستار "ایجاد جاهل های خالی از مستغیر و مستضعف است" انقلابی تشخیص داده خواهد شد و در نتیجه جبهه های از تمام نیروهای انقلابی، جبهه متحد انقلاب، جبهه متحد خلق انقلابی در برابر جبهه متحد ضدانقلاب بوجود خواهد آمد. دیگر نیروهای انقلابی و ضدانقلابی "قاطی" نخواهند ماند. دیگر صف بندی در جامعه به صف بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل خواهد شد و با این صف بندی - همه چیز در جای خود قرار خواهد گرفت.

در سیاست خارجی، دیگر "خط اصلی" مشخص و روشن خواهد شد ما با هر کشوری قطع نظر از ساختار و نظام اقتصادی و اجتماعی آن، اهم از سوسیالیستی و یا غیر سوسیالیستی که با امریالیسم و اذنباش سرگردگی آمریکا مبارزه می کند و درگیر مبارزه است، همکاری رزمنده بر سنای حفظ و تحکیم استقلال خواهیم داشت. دیگر کسی امکان نخواهد داشت شوروی، این توانمندترین قدرت ضد امریالیست جهان و این "متحد طبیعی" همسایه را دشمن معرفی کند تا آمریکا "منفی" شود. دیگر کسی امکان نخواهد یافت تا ترکیه... این متحد آمریکا در ناتو و این یارین ضدانقلابیون "ایرانی" را که "پنجره" بازگشت آمریکا است، دوست بنمایاند در آن صورت ما خواهیم

توانست جمهوری اسلامی ایران را در سای شایسته خود ، در جبهه جهانی ضد امپریالیسمی قرار دهیم و از این موضع ، با قدرتی صدچندان ، به نبرد پیروزندانه با آمریکا و اذناش ادامه دهیم .

دره سیاست داخلی نیز ، چنانچه در عمل صف بندی در جامعه به صف بندی انقلاب و ضد انقلاب تبدیل شود و هرگونه صف بندی دیگری مردود گردد . آنگاه دیگر " دگراندیشان " انقلابی در معرض فشار قرار نخواهند گرفت . احزاب و سازمانهای نظیر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که تا پای جان برای پیروزی انقلاب ایستادند و ساززه می کنند ، در معرض اتهامات و تهمت های " سیا " و " ساواک " ساخته ، قرار نخواهند گرفت . این امکان از ضد انقلاب گرفته خواهد شد که هر مسلمان مبارز طرفدار مستضعفان را با حرب اتهام " توده ای " خلع سلاح کند ، راستی ها از ناراستی ها جدا خواهد شد ، همکاری نیروهای انقلابی صدچندان تقویت خواهد گردید ،

نیروهای ضد انقلابی در هر پوششی شناخته و منفرد و مضمحل خواهند شد . حاکم انقلابی بودن ساززه با امپریالیسم آمریکا ، هم پیمانان و مزدورانش است . ساززه در راه احقاق حقوق حقه ولی فقیه شده رحمتگشان و مستضعفان و محرومان است . ساززه در راه استقلال تام و تمام و همه جانبه کشور ، در راه برقراری عدالت اجتماعی ، در راه برقراری آزادی های سیاسی و اجتماعی مطرح در قانون اساسی است . هرکس در این " خط " حرکت می کند و حرکت کند ، انقلابی است اگرچه دگراندیش باشد ، هرکس در عکس جهت این " خط " حرکت می کند و با حرکت کند در مسیر این خط سنگ بهاندازد ، کارشکنی کند ،

به ترور سیاسی و ترور اقتصادی و ترور اداری دست بزند ، ضد انقلابی است . اگرچه مهر داغ بر پیشانی نهاده باشد تا خود را مسلمان دوآتشه معرفی کند . سخن رئیس جمهور که در مشهد موگدا " اعلام کرد که " همه صف بندی ها در جامعه باید به صف بندی انقلاب و ضد انقلاب تبدیل شود و ما هر صف بندی دیگری را مردود می دانیم " سخنی است انقلابی ، گره گشا ، امیدبخش ، نفی انقلاب . این سخن در قالب های دیگری در خطبه نماز جمعه حجت الاسلام رفسنجانی نیز منعکس بود . آنجا که توضیح داد مخالفان انقلاب با " فریاد " و " اسلاما " مخالفت می کنند ، آنجا که توضیح داد که احلال گران در ادارات به بهانه نماز ظهر به کار مردم رسیدگی نمی کنند و ناراضی می تراشند و سر آنجا که اعلام کرد :

" طبق قانون اساسی ما احزاب متعدد را تحمل می کنیم و آزادی ها را در حد مطلوب می دهیم و در حدود قانون همه می توانند حرکت کنند " . این سخن حجت الاسلام رفسنجانی تا حدی است به اینکه " خط امام " در مورد آزادی فعالیت احزاب سیاسی " معرکارب " احزاب سیاسی " دگراندیش " طرفدار انقلاب با برجات ، که اعلامیه ۱۵ ماده ای معروف با برجات ، که قانون اساسی در مورد آزادی فعالیت احزاب باید اجرا شود و اجرا خواهد شد . مادام که چنین است ، پس سب ایجاد محدودیت و حتی اعمال فشار بر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چیست ؟ آقای رفسنجانی این سب را چمن توضیح دادند که نیروها و سازمانهای ضد انقلابی در کشور از آزادی ها سوء استفاده کردند ، هرج و مرج بوجود آوردند ، دست به اعمال تروریستی زدند و لذا ناگزیر لازم آمد فعالیت احزاب سیاسی متوقف با محدود شود . به نظر ما این توضیح قانع کننده نیست ، در این تردیدی نیست که هرج و مرج با آزادی قانونی فعالیت احزاب فرق اساسی دارد ، هرج و مرج را نمی توان و نباید تحمل کرد . ایجاد هرج و مرج کار ضد انقلاب و به بود ضد انقلاب است . در این تردیدی نیست که احزابی که مخالف انقلابند ، با محتوا و اهداف ضد امپریالیسمی و مردمی انقلاب ، با استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی مخالفت ، محدود و حتی ممنوع شوند . در این تردیدی نیست که نمی توان و نباید سازمانهای " معرکارب " را تحمل کرد و باید دست تروریستی آنها را شکست و امکان فعالیت سیاسی ضد انقلابی را از آنها گرفت . ولی لزوم جلوگیری از هرج و مرج ، از فعالیت ضد انقلابی نمی تواند ایجاد محدودیت و اعمال فشار را بر احزاب و سازمانهای طرفدار انقلاب توجه کند . حقیقت این است که در عمل ، نوعی سیاست " موازنه صافی " نسبت به احزاب اجرا شده است با این منطق که چون ایجاد محدودیت برای رهبران لیبرالها لازم آمده ، پس باید فعالیت حزب توده ایران نیز محدود شود ، که چون فلان گروهک مائوئیستی امریکازده به عمل ضد انقلابی دست زده ، پس باید سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز زیر فشار قرار گیرد .

همه صف بندی ها در جامعه باید به صف بندی انقلاب و ضد انقلاب تبدیل شود .

پس دشمن اصلی ما ، انقلاب ما ، کشور ما ، خلق ما ، امریکای جنایتکار است که رئیس جمهور ، خائنه های او را " وحشی ترین حکومت جهان " نامید و مبارزه با او را " مبارزه همیشگی " دانسته است . هدف اصلی این دشمن تجاوزگر ، غارتگر ، خدعه گر در منطقه ما ایران ، انقلاب ضد امپریالیسمی و مردمی ایران است که به رهبری امام خمینی پیروز شده و پایگاه اصلی ما به گفته آقای رفسنجانی " ضلع اصلی " سلطه امپریالیسم بسرکردگی امریکا در منطقه را به پایگاه مبارزه بر ضد امپریالیسم و اذناش بدل کرده است . این " وحشی ترین حکومت جهان " برای شکستن انقلاب ایران همه وسائل و امکانات خود را بکار گرفته است . دست خونریز و ویرانگر نظامی او از آستین صدام بدرآمده ، تروریسم سیاسی را بکار گرفته ، تروریسم اقتصادی را به خدمت گرفته ، تروریسم اداری را مورد بهره برداری قرار داده است . کشمیری های مطبوعاتی کلاهی های اداری ، قطب زاده های سیاسی را هر حالتوانسته جامازی کرده است . آن " مقدس مآبهای " را که هر حرف و هر اقدام بسوی احقاق حقوق مستضعفان را " کمونیستی " می نامند و فریاد " و " اسلاما " سر می دهند ، آن " روشنفکرانی " که همه جا کارشکنی می کنند ، آن " انجمن های " که به نام اسلام خط بطلان بر انقلاب می کشند ، آن ناراضی تراشانی که دائما و به هزار وسیله و بهانه مردم

را مایوس و از انقلاب دلزده می‌کنند . همه مستقیم و غیرمستقیم ، دانسته یا ندانسته ، به عنوان دشمن دانا و با دوست نادان ، عملاً به سود او کار می‌کنند . بدینسان مبارزه‌ای که در برابر انقلاب برای رسیدن به پیروزی‌های نهایی قرار دارد ، مبارزه‌ای است بفرنج ، درازمدت همه‌جانبه برای کسب پیروزی در این مبارزه آشکار است که اقدام نخستین ، یعنی ایجاد محدودیت برای فعالیت لبرالها بسود انقلاب ، منع فعالیت گروهکهای امریکازده ضدانقلابی به سود انقلاب است . در صورتی که ایجاد محدودیت و اعمال فشار بر نیروهایی که نظیر حزب توده ایران و سازمان ما ، با نظام نیروی خود از انقلاب پشتیبانی می‌کنند بفرمان انقلاب است . مگر طرد نیروهای انقلابی از جبهه انقلاب به زمان انقلاب نیست ؟ این سیاست موازنه منفی نسبت به احزاب ، به نظر می‌رسد ، به وسیله فشار شانتاژ نیروهای ضدانقلابی و نیز فشار نیروهای قشری انحصارگر بر نیروهای " خط امامی " در حاکمیت تحصیل شده است که حاصل آن ، کفاره گناه ضدانقلابیون را بر گردن انقلابیون " دگراندیش " نهادن است که بدیهی است نه آن را می‌توان عادلانه دانست و نه به سود انقلاب .

در هر حال ما انتظار داریم همانطور که حجت‌الاسلام رافت‌جانی مجدداً تأکید و اعلام کردند ، قانون اساسی در مورد احزاب طرفدار و پشتیبان انقلاب قطع نظر از جهان‌بینی و مسلک و مذهب و اعتقادات آنها ، هرچه زودتر به موقع اجراء گذارده شود ، تمام امکانات قانونی برای فعالیت آزاد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آنها باز پس داده شود که این خود یک گام جدی عملی در تحقق این سخن انقلابی رئیس جمهور خواهد بود که :

" همه صف‌بندی‌ها در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود و ما هر صف‌بندی دیگری را مردود می‌دانیم "

حکم آیت الله منتظری - بک سیلی به بزرگ مالکان

آیت الله منتظری در هفته گذشته (۸ شهریور) حکمی بنام دستور امام صادر کردند. در این حکم به حجت الاسلام فاضل هرنیدی مأموریت داده شد نسبت به تقسیم "اراضی صادره شده و اراضی موات قابل گشت" بین "کشاورزان و اجداد صلاحیت و طبق" ضوابط شرعی اقدام کند. چون که "لاهیحه اراضی موات قابل گشت و زمینهای بی طیف موازین شرعی صادره شده، هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده و از طرفی نمی توان تا هنگام تصویب نهایی قانون فوق، به گونه اراضی را گسترها" دولت می تواند به هرکس مصلحت دهد، واگذار نماید، معطل گذاشت." حکم چنانکه مشاهده می کنید، مربوط به زمینهای صادره شده، از طاعتیان فراری، از معدومین، از فاضلین اراضی و نیز مربوط به زمینهای موات قابل گشت است. یعنی مربوط است به بند الف (اراضی موات) و بند "ب" از طرح واگذاری اراضی و شامل بندهای "ج" (اراضی سایر) و "د" (اراضی سایر) بزرگ مالکان نمی شود. معذالک اهمیت حکم، به نظر می رسد، در چهارچوب اقدام به تقسیم اراضی صادره شده و تشخیص و تقسیم اراضی موات قابل گشت، محدود نباشد. می دانیم که اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی بزرگ می به دهقانان رجعتگی که یکی از اهداف بزرگ انقلاب است، و در نتیجه مقومت سرسختانه مالکان بزرگ و کارشکنی های نمایندگان آنها در حاکمیت، موقتا متوقف شد. ولی این "موقتا" تا امروز

ادامه یافته و طرح اصلاحات ارضی که پس از کشمکش‌ها برای اصلاح به
کمیسیون ویژه سپرده شد، هنوز از این کمیسیون جان بدر نبرده است.
توقف اصلاحات ارضی عمدتاً مربوط به بندهای "ج" و "د" طرح بود،
یعنی مربوط بود به اراضی سایر و دایر بزرگ مالکان، ولی با توقف اجرای این
بندها، عملاً کار تقسیم اراضی موات و معادله شده یعنی بندهای "الف" و
"ب" نیز عمدتاً متوقف شد و در نتیجه، گستاخی بزرگ مالکان بجای رسید
که حتی در پارهای موارد، زمین را که به دهقانان واگذار کرده بودند، از
آنان پس گرفتند.

بدینسان تقسیم اراضی بزرگ مالکان به روستاییان زمستکش و غارت شده،
حتی در مورد اراضی معادله شده و موات، عملاً متوقف شد ولی مبارزه بر
سر زمین هم در "پائین" و هم در "بالا" ادامه یافت و ادامه دارد.

حکم آیت‌الله منتظری سدی که بزرگ مالکان و نمایندگان آنها در برابر
اجرای بندهای الف و ب قانون کشیدمانند، می‌شکند. بر این بنا که "نمی‌توان
تا هنگام تصویب نهایی قانون (که در "محاق" افتاده)" اینگونه اراضی را
که "شرفا" دولت می‌تواند به هرکس مصلحت دید واگذار نماید، معطل گذاشت
و با شکستن این سد فشار جدیدی به نیروهایی که قانون اصلاحات ارضی
را در "محاق" امکندمانند وارد خواهد شد. اهمیت حکم آیت‌الله منتظری،
بدینسان به نظر ما، در همین فشار جدید است که به مخالفان تقسیم اراضی
مرومی هشدار می‌دهد، که تحمل انقلاب در برابر راستگرایان و بزرگ مالکان
و نمایندگان آنها در حاکمیت، حد و حدودی دارد و انقلاب نمی‌تواند بیش
از این تحمل کند که قانون اصلاحات ارضی در "محاق" باشد و ما چنان
دبج شرعی شود که محتوا و اهداف اولیه خود را گم کند.

به گزارش خبرگزاری‌های امپریالیستی آمریکا تصمیم دارد برای نشان دادن دوستی خود (با عربستان سعودی و دیگر رژیمهای برتجع عرب) در ماه آینده مانورهای نظامی دریایی و هوایی خود را در دهانه خلیج فارس و اطراف کشور عمان برگزار کند . راديو بي.بي.سي. طی تفسیری در این باره گفت است : اکنون دولت آمریکا احساس می‌کند که حضور نیروهای مسلحش در خلیج فارس ، دولت عربستان سعودی را هم آسوده خاطر خواهد نمود و به دولتهای کشورهای جنوب خلیج فارس نشان خواهد داد که دولت آمریکا از خطر ایران برای آنها آگاه است . . . آمریکا خود را مجبور می‌بیند (!) که به کشورهای عرب منطقه نشان دهد که اگر از طرف ایران مورد حمله قرار گیرند آمریکا هم بهمان قابلیت اعتدالی برای آنها خواهد بود ! اگر این "حبر" را به زبان آدیزاد ترجمه کنم ، معنایش اینست که "خطری جدی از سوی آمریکا ایران را تهدید می‌کند و آمریکا حضور سیاسی خود را علیه ایران ، در منطقه خلیج گسترش می‌دهد . چندی پیش "رایس برگ" وزیر دفاع آمریکا در مساحه با شبکه تلویزیونی بی.بی.سی. این گفت : وجود هواپیماهای آواکس در عربستان به امنیت آمریکا (۱) کمک بسیار می‌کند . زیرا عربستان سعودی قادر خواهد بود صدها کیلومتر دورتر در منطقه را زیر نظر بگیرد و ما را از وجود خطر باخبر سازد . روشن است که عربستان سعودی و آمریکا نیاری ندارند که اعماق خاک اردن یا اسرائیل یا پاکستان با عراقی را نجسس کند . وظیفه "واکنش‌های عربستان قبل از همه و اساساً نجسس اعماق کشور ما و گزارش وضعیت نیروهای ما به آمریکا - اسرائیل و رژیم عراق است . همینطور باید گفت که هدف تطبیح فزاینده عربستان اساساً تحت فشار قراردادن انقلاب ایران است . "عقروای همکاری‌های خلیج فارس" نیز که بدستور آمریکا ایجاد شده است بخشی از نقشه‌های وسیع آمریکا برای ضربه زدن به انقلاب ماست . اکنون رژیم عربستان سعودی در آنسوی خلیج ، مثل رژیم پاکستان در اینسو به زاندارم امپریالیسم آمریکا و به پایگاه توطئه امپریالیستها علیه ایران (قبل از همه) و دیگر کشورهای مترقی منطقه بدل شده‌اند .

وزارت کار در ادامه سیاست کارگرمی و ناراضی تراشی، در این هفته نیز، به سامعهای خودساخته و مخالف اصل ۲۶ قانون اساسی، طی اطلاعهای فعالیت هیئت مدیره ۹ سندیکای کارگری دیگر در تهران و شهرهای غیرقانونی اعلام کرد. بدین بنگاه اخیر فعالیت هیئت مدیره ۱۷ سندیکای کارگری توسط وزارت کار، غیرقانونی اعلام شده است و طی همین مدت از تشکیل دهها شورای کارگری به سهان اینکه هیئت قانونی آنها سبزی شده است، جلوگیری بعمل آمد. در همین فاصله کوتاه، پاره‌ای از انجمن‌های اسلامی کارخانجات که به انجمن صداقتی محسن و عناصر مقدسیاب مخالف خط امام مربوطند با کمک محافل کارگرمی وزارت کار، در فعالیت چند شورای کارگری کارگرمی کردند و با دستمجمعی علیه فعالین این شوراها، عملاً این شوراها را در آستانه انحلال قرار دادند.

ناراضی تراشی و کارگرمی وزارت کار در میان کارگران تنها به این محدود نمی‌شود که از طریق غیرقانونی اعلام کردن فعالیت هیئت‌های مدیره سندیکاهای کارگری با سهان پایان یافتن هیئت قانونی و تشکیل شوراهای کارگری، مانع از حضور متشکل کارگران در صحنه، برای دفاع از انقلاب گردد. این خط با ترفندهای دیگری نیز در تلاش است که در میان کارگران تخم باسی و بدبینی و نفاق بپراکند. از جمله در اهواز مانع عقد قرارداد جمعی کارگران با کارفرما شده و کارگران را مجبور و موظف به بستن قراردادهای فردی ساختند. تبعات این خط به حقوق و تشکلهای کارگران، اکنون به دیگر اشکال تشکلهای صنفی کارگران نیز تری داده شده است. علاوه بر شوراها و سندیکاهای کارگری، تعاونی‌های کارگری نیز در خطر تبعات خط کارگرمی وزارت کار قرار دارند. اظهارات آقای رنگرز سرپرست اداره امور تعاونی‌های وزارت کار در مورد شرایط تشکیل تعاونی‌ها نشانگر این تبعات است. مطابق اظهارات آقای رنگرز از آنجا که تعاونی‌ها باید زیر نظارت شوراها و در ارتباط با آنها تشکیل شوند، بنابراین تشکیل تعاونی کارگری بحر در کارخانه‌هایی که شوراهایشان مورد تأیید وزارت کار است، تأخیر به تعویق می‌افتد. بدین ترتیب با حراست تعاونی‌های کارگری نیز در محاق قرار می‌گیرد. بر صحنی همین سیاست، آقای مهدی صنیعی فرماندار وزارت کار، طی بخشنامه‌ای اتحادیه تعاونی‌های مصرفی با سهان را که با ۵۶ تعاونی، ۱۲۰ هزار کارگر را تحت پوشش دارد، منحل اعلام می‌کند. این اتحادیه که عملاً نقش عمده (امکان) اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگران ایران) را در منطقه ایفا می‌کرد مورد حمایت و پشتیبانی کارگران عضو بود.

برای آنکه عمق اینگونه اقدامات وزارت کار درک شود و معلوم گردد که تا چه پایه، خطی که جنس ناراضی می‌تراشد، همان خط طرفداری از سرمایه‌داری است باید خاطرنشان سازیم که از سوی وزارت بازرگانی (یکی دیگر از کانون‌های خط طرفداری از سرمایه‌داری) اخیراً بخشنامه‌ای صادر شده مبنی بر اینکه اتحادیه امکان، باید کالاهای ضروری و مورد نیاز را نه از دولت، بلکه از اتحادیه‌های صنفی در واقع از شرکت سهامی تجار بزرگ بازار - تهیه کند. همه این اقدامات، هدفی جز نابودی تعاونی‌های کارگری ندارد و تازه آنچه که برای تعاونی‌های کارگری تدارک می‌بینند، چیزی از نقشه‌ایست که برای نابودی نهضت تعاونی، در سراسر کشور از سوی این محافل در حال اجراست.

تبعات خط کارگرمی وزارت کار، خط طرفداری از سرمایه‌داری، علیه حقوق و تشکلهای کارگری هر روز دامنه گسترده‌تری می‌یابد، و پیدا است که تبعات گسترده‌تر این خط، در چهارچوب نقشه همه‌جانبه‌ایست که برای سرنگ‌انقلاب در حال اجراست.

یکی از مهمترین عناصر این توطئه، گسترش ناراضی در میان نوده‌های محروم مردم، جدا کردن آنان از خط امام، مایوسی کردن آنها از انقلاب، و بازداشتن آنان از حضور متشکل در صحنه است. کارگران به این نقشه آگاهی دارند و آماده‌اند که آنرا خنثی سازند. نمونه چنین آگاهی و آمادگی را می‌توان در نامه کارگران چرمسازی خسروی تبریز، به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد. کارگران در این نامه می‌نویسند:

«واضح است، نیست که (اینگونه) بی‌توجهی‌ها و برخوردهای غیرمسئولانه و قانون شکنانه و در یک کلام ترویج سیاست ظاهر با اهداف و موازین جمهوری اسلامی دانسته یا ندانسته، ۱۳۵۱ هجری یا ۱۳۵۲ هجری، عمدتاً به سهان، نتیجه‌اش به قول امام گمراهان ایجاد تزلزل در بین کارگران و در نهایت جدا کردن کارگران از روحانیت خط امام است و می‌افزایند: «لازم است یکبار دیگر ضمن تجدید بهمان با رهبر عزیزمان خمینی بزرگ متعهد شویم برغم میل همه دشمنان و بدخواهان، تا آخرین نفس در سنگر کارخانه با افزایش تولید و حمایت بیدریغ از دولت جمهوری اسلامی ایران و روحانیت خط امام

وظیفه خود را نسبت به انقلاب ادا خواهند کرد (جمهوری اسلامی ۱۰/۹/۵۱)

رفقا، در توضیح روبرویی خطها در زمینه حقوق کارگران و در افشای خط کارگر
سنیر و مدافع سرمایه‌داری وزارت کار، می‌بایست همراه با مسئولان مبارز خط
امامی به کارگران، ضرورت دفاع از تشکلهای کارگری (شوراهای - سندیکاها -
تعاونی‌ها) را بطور همه‌جانبه توضیح دهند. باید اهمیت دفاع آگاهانه عمالین
شوراهای و سندیکاهای کارگری را از حقوق و تشکلهای مستقل کارگری، که در
احوال نامعنا و طومارهای متعدد به مقامات و ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی
تحلی می‌باید. برای توده کارگران غیرعضو تشریح نمود و لزوم همبستگی کارگری
را برای آنها توضیح داد. باید برای توده کارگران صورانه توضیح داد که چرا
برای دفاع از انقلاب و خط مردمی امام خمینی باید متحدان از موجودیت
مستقل تشکلهای کارگری به دفاع برخیزند.

رفقا موظفند که به کارگران توضیح دهند که یکی از هدفهای دشمنان خط امام
برانگیختن کارگران و رو در رو قرار دادن آنان با جمهوری اسلامی ایران است
باید توطئه وادار کردن کارگران به اقدامات عمسی که خط امام را تضعیف
می‌کند و آب به آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزد فاش ساختن کارگران را از
واکنشهای عمسی برحذر داشت، و به آنها توضیح داد که دست بازیدن به
اقداماتی ظایر مصالح انقلاب خواست خط کارگرسنیر بزرگ سرمایه‌داری است که
نمایندگان آن در وزارت کارند.

یکم سپتامبر (دهم شهریور) روز آغاز جنگ جهانی دوم که " روز جهانی صلح " اعلام شده است امسال در سراسر جهان با تظاهرات و اجتماعات عظیم ضد جنگ پیشواز شد . ۲۲ سال پیش ، در یکم سپتامبر سال ۱۹۳۹ ، ارتش فاشیستهای آلمان با تهاجم به لهستان جنگی را به جهانیان تحصیل کرد که وسایل طولانیجا میدو پیش از ۵۰ میلیون تن قربانی گرفت و بخش عظیمی از دستاوردهای مادی و معنوی مردم جهان را نابود ساخت . اتحاد شوروی که هدف اصلی تهاجم فاشیستهای ددمنش بود در این جنگ ۲۰ میلیون گفته داد و یک سوم تمام ثروتهای ملی آن از میان رفت . ملل جهان ، به ویژه ملل اروپا در نتیجه این سیهاترین تسبیگاری سراسر تاریخ بشر ، میلیونها تن از فرزندان خود را از دست دادند و بخش عظیمی از حاصل تلاشهایشان نابود شد .

یکم سپتامبر امسال در اتحاد شوروی که بیشترین مصائب را در جنگ متحمل شد و در همه کشورهای سوسیالیستی ، در تکتک کشورهای سرمایه داری در امریکا که دولت آن بر فراز هیروشیما و ناگازاکی بمبائی منفجر کرد ، در ژاپن که امپریالیستهای حاکم بر آن دودمانوش فاشیستهای آلمان ، جهان را به آتش کشیدند و مردم آن قربانی تسبیگاری امپریالیسم امریکا شدند و در آلمان که فاشیستهای کثیف و انسانستیز از آنجا جهان را به آتش کشیدند مردم بهاخاستند و با تظاهرات و اجتماعات عظیم ضد جنگ ، خشم و نفرت خود را

نسبت به جنگ افروزان ابراز داشتند و مردم خود را برای نبرد هرچه گستردهتر به خاطر حفظ و تحکیم صلح جهانی اعلام کردند . مردم جهان طی تظاهرات و اجتماعات عظیم ، امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکا را به خاطر مقاصد برتریجویانه و جنگ افروزانانه و به خاطر ماجراجوییهای که بفریب را در معرض تهدید جنگ گرما هستهای قرار می دهد تشدیداً محکوم کردند . در بسیاری از تظاهرات و اجتماعات ضد جنگ خواسته شد که بیدرتگ امریکا و دیگر کشورهای دارای سلاح هستهای ، مانند اتحاد شوروی متعهد شوند که هرگز در کاربرد سلاح هستهای پیشدستی نخواهند کرد . در تظاهرات و اجتماعات بسیاری امتناع امریکا از پذیرش چنین تعهدی به عنوان نمونه بارز مقاصد قوم و جنگ افروزانه امپریالیسم صرطنی و با نفرت تمام محکوم گردید . رحمتگنان جهان با آگاهی فزاینده نسبت به مقاصد امپریالیسم و ملل و انگیزههای جنگ افروزیهای آن ، سازده طبقاتی خود را علیه نظام سرمایه داری و امپریالیسم بطور فزایندهای با جنبش بالنده صلح پیوند می دهند . سازده در راه صلح به عنوان وسیع ترین عرصه نبرد علیه امپریالیسم پیش از پیش با صفوف رحمتگنان تقویت می شود تصمیم " دهمین کنفره جهانی اتحادیهها " که روز یکم سپتامبر را " روز فعالیت اتحادیهها به خاطر دفاع از صلح " اعلام نمود جلوههای از همین امر است .

در حالیکه کشورهای سوسیالیستی ، طبقه کارگر ، رحمتگنان و همه مردم ترقیبخواه کشورهای سرمایه داری و همه کشورها و نیروهای ضد امپریالیست جهان روز یکم سپتامبر ، خروش صلح خواهی را طنین انداز کردند . امپریالیستها بصرگردگی امریکا درست در همین روز ، یعنی در سالروز آغاز جنگ جهانی دوم " مانورهای پاسیزی " بهمان ناطو را آغاز کردند و برای اینکه از رسوایی شان چیزی کاسته نشود ! این مانورها را درست از همان جایی آغاز کردند که جنگ جهانی دوم آغاز شد ، یعنی از آلمان فدرال . در این مانور که با نام رمزی " دژ کارابین ۸۲ " در منطقه " رینبرگ " واقع در مرکز آلمان فدرال آغاز شده است نیروهای ارتش امریکا ، آلمان فدرال ، کانادا ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، انگلیس و لوکزامبورگ شرکت دارند و هدف آن به قول ستاد فرماندهی ناطو " افزایش سرعت بکارگیری این نیروها در اروپا " اعلام شده است !

بنا ایمن همسایه
قدرت آن . امپریالیسم دیوانهای را می ماند که بر سر شاخ بین می نبرد اما
بهار همین دیوانگی های امپریالیسم اکنون وظیفه مقدم و اساسی همه مردم جهان
است . در شرایط کنونی هیچ وظیفه ای برتر و مقدم تر از مبارزه در راه حفظ
تعمیم صلح جهانی نیست . اکنون مبارزه در راه صلح مبارزه های است در راه
حفظ بشریت و حفظ دستاوردهای مادی و معنوی چندین هزارساله آن . این
خطرترین وظیفه ای است که بر عهده مردم جهان قرار دارد و مردم جهان
مطمئن اند که اراده خود را به امپریالیست های جنگ امروز تحمیل کنند و این
مبارزه مقدس را به پیروزی کامل برسانند .

* * * * *

در بزرگداشت خاطره شگوهمند ۱۷ شهریور . اطلاعاتی از سوی
سازمان انتشار یافت ، در این اطلاعیه آمده است :

بنا به دعوت ستاد هماهنگی تبلیغات اسلامی

با تسرکت در

راهپیمایی ۱۷ شهریور

موقوف خود را تحت رهبری اسام غیبی فشرده تر سازیم .

مردم فلسطین تا پیروزی نهایی علیه امریکا و رژیم صهیونیستی می‌روند

رونالد ریگان در یک سخنرانی به تاریخ دهم شهریور ماه به اصطلاح خود "پیشنادهای تازه‌ای برای حل مسأله فلسطین" داده است. اما این "راه حل" با نیرنگ جدید، بیکار دیگر و بیش از هر چیز عقودشنی امپریالیسم امریکا را با حل عادلانه مسأله فلسطین که تنها با تأمین حقوق مردم فلسطین برای تعیین آزادانه سرنوشت و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی میسر است آشکار می‌سازد. نخست باید بگوئیم این "پیشنادهای تازه" دولت امریکا، که همان هدفهای کهنه طرح "کمپ دیوید" را دنبال می‌کند هنگامی ارائه می‌شود که تجاوز امریکایی - صهیونیستی به لبنان در اساسی با شکست روبرو شده و امریکایی‌ها مجبور گشته است برای درآمدن از بن‌بست و جلوگیری از رسوایی و انزوای بیشتر به نیرنگ "طرفداری از راه حل سیاسی" بیش از پیش تکیه کند. در واقع از همان زمان که طلبه شکست نقشه تجاوز پیدا شد دولت ریگان تشخیص داد که باید به "طرفداری از مذاکره و راه حل سیاسی" تظاهر کند و بکوشد تا شاید از طریق تظاهر به "میانجیگری" گشایشی در کار گرفته‌شده خود و شریک جنایتکارش پیدا بیاورد. از نظر امریکا و رژیم صهیونیستی آغاز تجاوز به لبنان به عنوان نقطه پایانی بر راه‌حل‌های سیاسی بود. در نقشه تجاوز، حل مسأله فلسطین از طریق نابودی کامل سازمان آزادیبخش فلسطین و الحاق سرزمین‌های فلسطینیان به اسرائیل پیش‌بینی شده بود. مطابق این نقشه همه مسائل به سود امریکا و اسرائیل از طریق "اعمال زور" و "از موضع قدرت" می‌بایست حل می‌شدند. سرکردگان امپریالیسم امریکا و رژیم صهیونیستی چنان به این نقشه خود مطمئن بودند که چندان ابایی از توضیح هدف‌ها و جوانب مختلف آن نداشتند. شارون وزیر جنگ اسرائیل تنها اندکی بیش از آغاز تهاجم آشکارا

گفت: " همکاری نظامی و استراتژیک آمریکا و اسرائیل به معنای آن است که آمریکا نقش شریک و طرفدار نظریه‌های را ایفا می‌کند که هدف آن توسعه نفوذ اسرائیل از پاکستان تا آفریقای مرکزی است

وی همچنین گفت: " حتی اگر سواحل قریبی رود اردن تا ابد در اختیار اسرائیل باشد همی اراضی برای اسرائیل همچنان گنجانده نخواهد گرد" او وقتی نیروهای تجاوزگر در بی‌چنین خیالاتی به لبنان حمله کردند نمانده آمریکا در سازمان ملل متحد اعلام کرد: " آمریکا با هرگونه تصمیمی از جانب سازمان ملل متحد که جنبه تشبیه اسرائیل را داشته باشد مخالفت خواهد کرد" در همین زمان ریگان اعلام کرد که آمریکا به همه پیمانهای خود با اسرائیل وفادار است و هیچ محدودیتی برای صدور اسلحه به اسرائیل قائل نخواهد شد. بنا براین در نقشه تجاوز کمتر می‌توانست چیزی به نام " طرفداری از راحل صلح‌آمیز" ا پیشرویی شود. تنها در بی شکست تجاوز بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی مجبور شدند به مذاکره تن بدهند و از " راحل سیاسی" دم بزنند بایرداری قهرمانانه مردم فلسطین و رزمندگان سوری و پشتیبانی قاطع جنبه جهانی ضدامپریالیستی به ویژه اتحاد شوروی، تجاوزگران را به بن‌بست کشاند و آنها مجبور شدند برای رهایی از آن به نبردهایی همچون جنگ زرگری ریگان و بگین و " طرفداری از راحل سیاسی" اتوسل جویند. شارون که اندکی پیش از آغاز تهاجم آنگونه پیشروانه نقشه تجاوزگران آمریکا و اسرائیل را تشریح می‌کرد اکنون در نتیجه بایرداری قهرمانانه مردم فلسطین و لبنان و نیروهای سوری ناچار می‌شود بگوید: " ما از فلسطینی‌ها دعوت می‌کنیم که در مذاکره با اسرائیل به منظور همزیستی مسالمت‌آمیز (!) شرکت کنند" اگرچه این گفته‌ها سراسر نیرنگ است، اما تنها مشت گره‌کرده مردم فلسطین می‌توانست چنین کلماتی را از حلقوم امثال شارون بیرون بکشد.

نکته دیگر این است که آمریکا و رژیم صهیونیستی به موازات توسل به اینگونه نیرنگها با زهم با شتاب بیشتری مشغول اصلاح و تکمیل نقشه تجاوز و تدارک قوا برای اجرای آن هستند. نیروهای نظامی آمریکا در سواحل لبنان همچنان نفوذ می‌شوند. هشتصد تفنگدار آمریکایی در بیروت مستقر شده‌اند. نیروهای

اشغالگر صهیونیست در لبنان با سلاح آمریکایی و مزدوران صهیونیست با شتاب جدید قوا می‌کنند هم‌اکنون بخش زیادی از واحدهای تانک و توپخانه اسرائیل مقابل نیروهای سوری پایدار صلح در دره بقاع موضع گرفته‌اند و اخبار حاکی از آن است که نیروهای تجاوزگر نقشه پیشروی به سوی حاور و شمال لبنان را می‌پروانند. این شواهد نشان می‌دهند که آمریکا و رژیم صهیونیستی مرحله جدید تجاوز علیه مردم فلسطین و لبنان و سوری را تدارک می‌بینند. بنا براین پیشنهادهای جدید " ریگان روی دیگر سکه است که بر آن نقشه تجاوز نظامی و توسل به زور ترسیم شده است. ریگان در این " پیشنهادها" از " خودمختاری برای ساکنان فلسطینی ساحل قریبی رود اردن و نوار غزه با همکاری اردن" و " گزینش یک دستگاه اداری در سرزمین‌های اشغالی به منظور تضمین اداره امور فلسطینی‌ها" سخن گفت. وی عدم " ایجاد اختلال در ضروریات امنیتی اسرائیل" را در یک ماده از پیشنهادهای خود شرط انتقال " دستگاه اداری

محلین از اسرائیل به ساکنان فلسطینی کرانه قریبی نوار غزه" قرار داده است! ریگان در توضیح محتوای این پیشنهادها گفت: " ایالات متحده آمریکا از تأسیس یک دولت مستقل فلسطینی در ساحل قریبی رود اردن و نوار غزه حمایت نخواهد کرد" بدینگونه ریگان پیشنهاد می‌کند که مردم فلسطین از آرمان خود، از خلق تعیین سرنوشت آزادانه و داشتن صیبن مستقل دست بشویند و با رعایت " ضروریات امنیتی اسرائیل" یعنی با پیوستن به جرگه دوستان آمریکا و رژیم صهیونیستی، خودمختاری زیر پر و بال آمریکا و اسرائیل و امثال ملک‌حسین را بپذیرند. امپریالیسم آمریکا به هنگامی پیشنهاد تسلیم جنبش رهاقیبخش مردم فلسطین را ارائه می‌دهد که خلق فلسطین بیش از هر زمان مصمم است در راه آرمان‌های خود، در راه صیبن، آزادی، استقلال و بهروزی مبارزه کند و به آرمان‌های خود با زهم نزدیک‌تر شده است. این " پیشنهادها" زمانی ارائه می‌شود که همه کشورهای و نیروهای ضدامپریالیست جهان مرم برشکوه خود را برای پشتیبانی از مردم فلسطین تا بهروزی نهایی در سخت‌ترین شرایط به اثبات رسانده‌اند. البته آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌توانند برای دفاع از چنین طرح‌ها و " پیشنهادهایی" روی متحدین و دوستان خود در منطقه حساب کنند، اما خلق فلسطین با نبردهای خونبار و قهرمانانه خود اثبات کرده است که نه آمریکا و رژیم صهیونیستی، و نه هیچک از متحدان و دوستان‌شان نمی‌توانند برای وی تضمین سرنوشت کنند. مردم فلسطین خود سرنوشت خویش را تعیین می‌کنند.

در هفته اخیر « کمیسیون مشترک آمریکا و پاکستان » برای بررسی و گسترش روابط آتی دارودسته ضیاءالحق با دولت ریگان اجلاسی دو روزهای در دانشگاه قائد اعظم اسلام آباد برگزار کرد. آنچه‌تکه از اظهارات آقایان وزیر امور خارجه رژیم ضیاءالحق برمی آید مسأله مورد بحث در این کنفرانس چگونگی ایجاد شرایط مناسب برای گسترش همکاری‌های دولت پاکستان و دولت ریگان در زمینه تقویت بنیه نظامی پاکستان بوده است. همچنین بررسی چگونگی تشدید عملیات ضدانقلابی علیه کشورهای شرقی منطقه، بویژه علیه مردم افغانستان از موضوعات عمده در این « کنفرانس » بوده است. دارودسته ضدانقلابی حاکم بر پاکستان به موازات بسط همکاری با امپریالیسم آمریکا، بیش از پیش از باری و حمایت رهبران مرتجع چین برخوردار می‌شوند. اخیراً « پاکستان و چین جاده استراتژیک » فرمولوم را که منبرغم اعتراضات رسمی دولت هند در بخشی از ایالت جاور کشنیر - منطقه اشغال شده توسط پاکستان - احداث گردیده، مورد بهربرداری قرار داده‌اند. چین از طریق این جاده قصد دارد که عمدتاً محصولات نظامی به پاکستان بفرستد.

پاکستان که توسط آمریکا و چین بطور شتابان مسلح و مجهز می‌شود اکنون بطور فزاینده‌ای کشورهای شرقی منطقه یعنی هندوستان و افغانستان و ایران را تهدید می‌کند. ضیاءالحق که یکی از سرسپرده‌ترین عمال آمریکاست چندی پیش اعلام کرد « بهتر است که مردم گرسنه باشند اما کشور (!) از تکنولوژی هسته‌ای برخوردار شود ». زنگال پاکستانی حتی از این فراتر، اعلام کرد « پاکستان بطور قطع به تکنولوژی لازم برای ساختمان بمب‌انهدی دست یافته است. همه این ماجراجویی‌های رژیم پاکستان آشکار می‌سازند که آمریکا با تجهیز کردن پاکستان نقشه‌های بسیار خطرناکی در چنته دارد و در این زمینه رهبران برتری‌جویی چین نیز با آمریکا و پاکستان همکاری همه‌جانبه دارند.

(۱۸)

دیدار هیات نمایندگانه شوروی از سوریه :

یک هیات پارلمانی به ریاست « ایوان گالین » معاون صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی به مدت پنج روز از سوریه دیدن کرد. در جریان دیدار این هیات با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، اوضاع لبنان و مسأله خاورمیانه مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. هیات نمایندگی اتحاد شوروی در دیدار با حافظ اسد باردیگر ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی کشور متبوع خود از سازشات عادلانه مردم فلسطین و کلیه نیروهای انقلابی و مترقی که به دفاع از سرزمین خود در برابر تجاوزگران صهیونیست به مبارزه برخاسته‌اند، خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای صهیونیست و امپریالیست از خاک لبنان شدند. حافظ اسد نیز ضمن ستایش از موضع اتحاد شوروی و تأکید مجدد بر ضرورت تداوم و تحکیم دوستی و همکاری دو کشور، اتحاد شوروی را « دوست بزرگ سوریه » خواند. در پایان دیدار هیات نمایندگی اتحاد شوروی از سوریه بیانیه مشترکی منتشر شد که تر آن آمده است:

دو کشور شوروی و سوریه در مورد انگیزه تهاجم مشترک آمریکا و اسرائیل به لبنان توافق نظر کامل دارند و معتقدند گفتار دستمجمعی مردم لبنان و فلسطین با حمایت کامل و افشکن صورت گرفته است (که همان ۷ شهریور) دوستی و همکاری اتحاد شوروی و سوریه، که همچنان گسترش می‌یابد، بعنوان نوعی برادر از دوستی و همکاری برابر-حقوق دو کشور ضد امپریالیست ارائه می‌شود.